



اربعین مشقی برای دوران ظهور

مسعود دهنوی
مستندساز

سال ۹۵ برای اولین بار به پیاده‌روی اربعین رفتیم و در همان سال مستندی با نام «میزبان» ساختم. با ورود به کشور عراق و با توجه به حرف‌هایی که شنیده بودیم، خیلی برایمان راحت بود، یعنی احساس این را که وارد کشور غریبه شدیم، نداشتیم. اتفاق جالبی که برای من در ساخت پنج فیلم پیاده‌روی اربعین افتاد، این بود که اصلا احساس نمی‌کنی با آدم‌های غریبه در ارتباط هستی، برای مثال ما الان در مرز شلمچه هستیم و عزیزان خرمشهری عرب‌زبان هم هستند، دوستان پاکستانی و افغانستانی هم موبکب دارند و ما با همه اینها احساس نزدیکی داریم و حسی به ما دست نمی‌دهد که زبان، فرهنگ، رنگ پوست‌مان متفاوت است و انگار یک حس مشترک بین همه ما وجود دارد که با خیال راحت در این مسیر قدم برمی‌داریم و نگران چیزی نیستیم. در اینجا احساس می‌کنم که دو کوچه کنارتر از خانه خودمان هستم و در نزدیکی دارم یک مستند می‌سازم نه در یک کشور دیگر. انگار همگی خانواده من هستیم، محبتی دارند که جنسش فرق می‌کند.

چرا مستند پیاده‌روی تولید کردم؟

۱۵ سالی است که پیاده‌روی اربعین به شکل جدی‌تری شکل گرفته و من می‌دیدم در فضایی که آدم‌های زیادی وجود دارند، قصه‌های است و قصه مبنای اصلی آثار ماست. برای یک مستندساز اربعین پر از سوزهای جذاب و آدم‌های متفاوت است. من هم می‌دانستم جایی را ضبط می‌کنم که پر از قصه‌هایی است که ما از زبان یکدیگر می‌شنویم.

دوربین من کجاست؟
فرق آن چیزی که تلویزیون نشان می‌دهد با فیلم ما این است که تلویزیون خبر را نشان می‌دهد که آن هم با ارزش است، اما ما قصه را روایت می‌کنیم، مثلا می‌بینیم پسرچه‌ای دارد به زائران آب می‌دهد، این موضوع از دید صداوسیما تصویر قشنگی است اما از نظر مستندساز این مهم است که برود و ببیند این بچه کیست، پدر و مادرش چه کسانی هستند و چه فرهنگی دارند و حس و حالش چیست. همه اینها قصه دارند؛ قصه گذشته. اینکه این علاقه چه طور شکل گرفته، این است که برایمان جذاب است. کسانی را به خانه‌هایشان می‌آورند که حتی نمی‌توانند با یکدیگر حرف بزنند. دوربین ما به آدم‌ها نزدیک می‌شود. دوربین ما بین آدم‌هاست.

تعریف اربعین برای من چیست؟

مسئله‌ای که در این چندساله بیان می‌شود، این است که اربعین مشقی است از فضای ظهور. در آن زمان انسان‌ها به واسطه کرامتی که دارند به یکدیگر محبت می‌کنند و همگی در فضای آرام و مهربان با هم ارتباط برقرار می‌کنند و این اصلای ربطی به دین و آیین‌های مختلف ندارد. این جریان ما را تمرین می‌دهد برای دنیایی که در آخرالزمان است. در اربعین فرهنگی به آدم‌ها نشان داده می‌شود که قرار است باشند. دوهفته اربعین مشق و تمرینی برای درک آخرت است.

چرا مستندهایمان را در رسانه‌های خارجی نشان نمی‌دهند؟

متأسفانه غول‌های رسانه‌ای که در جهان داریم با فرهنگ اسلامی رابطه خوبی ندارند، یعنی ما اگر از انگلیس و آمریکا نام ببریم، اینها هیچ وقت نمی‌خواستند ایرانی‌ها و مسلمانان رشد کنند و به واسطه همین موضوع پیاده‌روی اربعین سال‌هاست که در کشورهای غربی که غول‌رسانه‌های هستند تحریم و بایکوت خبری شده‌اند. اما با همین تصویرهای کوچکی هم که شاید از جایی دیده باشند این موضوع در ذهن خیلی‌هایشان نقش بسته که در آنجا چه اتفاقی می‌افتد و این موضوع باعث شده سال بعدش به پیاده‌روی اربعین بیایند. رسانه‌های جهان هیچ وقت نمی‌خواهند اینها دیده شوند، برای مثال بی‌بی‌سی فارسی درباره سگی که در بیان افتاده و آب ندارد خبر می‌دهد و آن را بولد هم می‌کند، اما درباره پیاده‌روی که حداقل ۳۰ میلیون آدم مسیروش را طی می‌کنند یک خبر هم نمی‌دهد و دلیلش این است که منفعت‌هایش زیرسوال می‌رود و نمی‌تواند دیگر بر مردم حکومت کند.



آنچه تلویزیون نشان می‌دهد کوچک کردن اربعین است

امین قدمی
مستندساز

پیاده‌روی اربعین حال‌وهوای شیرین، دوست‌داشتنی و مملو از مهربانی دارد و فضایی تکرار نشدنی است. ترکیبی از بغض و شادی است. کسانی که تجربه‌اش را داشته‌اند می‌دانند و کسانی که تجربه ندارند، نمی‌توانند این توصیف‌ها را درک کنند. وقتی جمعی جایی هستند یک انرژی در آنجا وجود دارد. دوران سربازی که می‌رفتم روز آخر همه شروع کردند سرودی را خواندند و یک انرژی عجیبی بود و همه بغض داشتند. تصور کنید در پیاده‌روی اربعین این همه آدم در یک مسیر واحد هستند که مراقب یکدیگرند، دیگر ببینید چه فضایی است.

چرا مستند اربعین می‌سازم؟

اربعین خاکش دامن گیر است. وقتی یک‌بار می‌روید دوباره دوست دارید در این پیاده‌روی شرکت کنید. وحید چاووش، پیشنهاد کار در آنجا را به من داد. در عراق بعد از فروپاشی دولت صدام مدتی پیاده‌روی‌ها کم شده بود. آقای چاووش گفتند به آنجا برویم و اتفاقات را روایت کنیم، من اول گفتم شاید فقط پیام و تماشا کنم و فیلمی نسازم. فکر می‌کردم آنجا مثل دهه اول محرم و مراسم در ایران است و با خودم می‌گفتم مگر چقدر می‌شود راجع به آنجا فیلم ساخت و این حرف از بی‌سوادی من بود. وقتی به آنجا رفتم انگار که در دام این موضوع افتادم و از این موضوع بسیار خوشحالم. در آن زمان که ما این فیلم‌ها را می‌ساختیم هنوز اوضاع خطرناک بود و یادم هست دو کوچه آن طرف‌تر از ما انتحاری زدند. من با همسرم رفته بودم و به همین سبب با یک خانواده آشنا شدیم و اولین فیلم هم راجع به مامان نزیهه که یک خانم عراقی است ساخته شد و در سال‌های بعدش هم این فیلمسازی ادامه پیدا کرد.

چگونه پیاده‌روی را روایت کردم؟

در این پیاده‌روی تلویزیون یک دوربین زنده دارد که ورود زائران را نشان می‌دهد، این

نه تنها تصویر پیاده‌روی نیست، بلکه کوچک کردن این اتفاق است. این نزدیک شدن به آدم‌ها نیست ظاهر یک چیزی را نشان دادن است. تصور من این است که بهترین تصویرها را از اربعین، عکاسان و مستندسازان ارائه کرده‌اند؛ آنهایی که زمان طولانی رفته‌اند و پیاده رفته‌اند و به آدم‌ها نزدیک شده‌اند و اصل قضیه را شنیده‌اند. همه این جریان‌ها را انسان‌ها شکل می‌دهند و نگاه و افکارشان مهم است، تعداد که مهم نیست. همه این آدم‌ها برای شهادت ۷۲ انسان جمع شده‌اند و دقیقا به خاطر همین است که انسان‌ها مهم هستند، حتی به نظر من اتفاقی که برای آن انسان‌ها افتاده مهم نیست، بلکه خود شخصی که برایش مشکل پیش آمده مهم است. ممکن است در عالم اتفاقاتی تلخ‌تر از روز عاشورا افتاده باشد اما برای چه کسی؟ اینکه این اتفاق برای چه شخصی افتاده باشد مهم است. در خیابان دعوایی می‌شود و دو آدم معمولی روی هم چاقو می‌کشند و کسی به آنها توجه نمی‌کند، اما شما به صورت یک مقام یا وزیر یک کشیده بزن، همه می‌گویند چه شد؟ یعنی اعتبار آن آدم است که قصه را تلخ می‌کند. همه اینها را گفتم که به این برسیم آدم‌ها مهم هستند. روح آنها و تفکرشان است که مهم است. حالا تصور کنید این تعداد آدم و فکر و مهربانی در یک جا قرار بگیرند، خوب باید رفت سراغ آنها. شما اگر به یک نفر نزدیک شوید و حرفش را ببینید و بعد لانگ‌شات بروید از یک جمعیت بزرگ، آن وقت است که پیاده‌روی اربعین را نشان داده‌اید.

چرا می‌گویم مستند اربعین را بسازید؟

باید مستند تولید کرد تا پیاده‌روی را دید. من قبل از اینکه مستندساز شوم عکاس بودم، یک سری چیزهای قشنگ را که می‌دیدم عکسش را می‌گرفتم تا به بقیه هم نشان دهم، بعد دیدم این عکس آن چیزی نیست که من دیده بودم و به همین علت مستندساز شدم تا فیلم بگیرم. نه تنها اربعین، هر چیزی که دیدنش برای دیگران باعث رشد و حال خوب می‌شود باید منتشر کرد. لزومش این است که تولید شود و این فقط مربوط به اربعین نیست و راجع به همه موضوعات است. پیاده‌روی اربعین اگر عکس خوب داشته باشد، اگر حرف خوب داشته باشد، اگر مستندساز کارش را به خوبی انجام داده باشد، طیف بیشتری آن را تجربه می‌کنند و مشتاق می‌شوند تا به آنجا بروند. این نظر شخصی من است و از لحاظ مدیریتی نمی‌دانم ضرورت مستند ساختن برای اربعین چه چیزی است.